

مبارزه را ادامه دهیم! سخنی با کارگران لاستیک البرز!

کمیته هماهنگی

دوشنبه بیست و یکم بهمن ۱۳۸۷

کارخانه لاستیک البرز به کار افتاده است و کارگران بالاخره به سر کار خویش بازگشته اند، موضوع جنگ و ستیز ۲ ساله اخیر توده های کارگر تضمین اشتغال و پرداخت دستمزدهای معوقه آنان بوده است. سرمایه داران جدید از پرداخت پنج ماه حقوق معوقه کارگران امتناع می کنند و کوشیده اند تا با دادن ۲۰۰ هزار تومان به هر کارگر عجالتاً خود را از فشار اعتراض آنان خلاص سازند. مدیرعامل شرکت تلاش خود را بر محور متقاعد ساختن کارگران به کار و تحمل مشکلات متمرکز کرده است. او به روال معمول دادن وعده و وعیدهای توخالی را سلاح کار خویش ساخته است. موقعیت ضعیف کارگران و جنبش طبقاتی آنان سبب شده است که آنان به حداقل دستاوردها رضایت دهند و باز هم به قول و قرارهای فاقد هر نوع تضمین سرمایه داران دل بندند. کارگران بر پرداخت به موقع حقوق ماههای آینده سخت تأکید دارند، آنان در همان حال خواستار دریافت هر چه سریع تر دستمزدهای معوقه ۵ ماهه خویش می باشند. نکته بسیار مهم در مقطع کنونی مبارزات کارگران ضرورت هر چه بیشتر هشیاری در مقابل ترفندها و وعده بافی های فریبکارانه سرمایه داران است. همواره باید به این موضوع فکر کرد که اساس دعوا بر سر کار داشتن و نداشتن نیست. اینکه ما کار کنیم و استثمار شویم آرزو و هدف و کعبه آمال و بنیاد هستی سرمایه و سرمایه داران است. مشکل این نیست که به ما اجازه کار کردن و استثمار شدن دهند، مشکل این است که ما بخش هر چه بیشتری از کار خویش را از چنگال سرمایه داران خارج سازیم. ما ۵ ماه حقوق نگرفته ایم و خسارات سنگینی که در این گذر تحمل نموده ایم سر به آسمان می سایید. عدم دریافت به موقع دستمزدها سبب شده است که معادل آن ها نزول بپردازیم. صاحبان سرمایه باید این خسارات را جبران کنند، دستمزدها باید به طور قطع افزایش یابد، نه فقط حقوق معوقه ۵ ماهه باید پرداخت شود که هیچ نوع تأخیری در پرداخت حقوق ماههای آتی نیز نباید از سوی ما تحمل گردد. باید با ادامه مبارزات خود همه این شروط و مطالبات را بر سرمایه داران تحمیل کنیم. کنار گذاشتن شورای اسلامی کار این نهاد پلیسی سرمایه، کار بسیار ارزنده و مثبتی است که توسط شما انجام گرفته است. جا دارد که همه همزنجیران کارگر در هر کجا که هستند این اقدام شما را بستایند و تبریک گویند، با وجود این صرف کنار نهادن شورای اسلامی کافی نیست. کانون های صنفی و پلیسی دست ساخت سرمایه را باید با برپائی شوراهای واقعی ضد سرمایه داری جایگزین نماییم. باید خود را شورائی و ضد سرمایه سازمان دهیم. شورائی متشکل شدن مشتی حرف نیست. جنبش ما در جنگ علیه سرمایه و سرمایه داران سوای سازمانیابی شورائی خود هیچ راه چاره موفق دیگری ندارد. اجازه دهید در باره این مسأله بسیار اساسی یا در واقع اساسی ترین و مبرم ترین مسأله روز جنبش خویش کمی با هم حرف بزنیم. خیلی ها شورائی متشکل شدن را این می دانند که مثلاً جمع شویم، صحبت کنیم، دردها را با هم در میان گذاریم و بعد هم چند نفر را از میان خویش تعیین کنیم و مسئولیت پیشبرد کارها را به آنان واگذار نماییم!! شورائی جمع شدن

برای بیشتر فعالین جنبش کارگری فقط همین معنی را دارد و البته جمعیت ها، محافل و فعالان زیادی هستند که تشکل شورائی را حتی از این هم نازل تر و بی محتوا تر و بی خاصیت تر تعبیر می کنند. افراد و گروههای زیادی فکر می کنند که اگر کارگران هفته ای یک بار در جائی از کارخانه یا بیرون محیط کار اجتماع کنند، همگی در این اجتماع شرکت نمایند و همه در جریان چگونگی پیشبرد کارها توسط چندتا نماینده منتخب خود قرار گیرند واقعاً به یک مبارزه شورائی دست زده اند. این نوع تعبیرات در باره شورا و متشکل شدن شورائی در سطحی نسبتاً وسیع رواج دارد، اما تعبیر بسیار وارونه و نادرستی هستند. این شکل سازمان یافتن در واقع نوع دیگری از همان سندیکاسازی است و شاید تنها تفاوتش با سندیکاسازی رایج آن باشد که شرکت کنندگان در آن لزوماً از مدافعان معتقد و مؤمن مبارزه قانونی و توسل به دولت و ساختن نهادهای کارگری حلق آویز به نظم سیاسی سرمایه نباشند. این خصوصیات طبیعتاً در جای خود قابل توجه هستند اما آنچه مهم است این است که مجرد این معیارها و مختصات مطلقاً به نوع متشکل شدن ما خصلت شورائی و ضد سرمایه داری نمی دهد. برای اینکه شورائی متشکل شویم قبل از هر چیز باید جنبش ما به طور واقعی یک رویکرد سنجیده، و حساب شده ضد سرمایه به خود بگیرد. جنبش ما به طور خودجوش ضد سرمایه داری است، ما همیشه و همه جا با سرمایه و سرمایه داران و دولت آن ها در حال کشمکش هستیم. این ناشی از شرایط زندگی و کار و وجود اجتماعی طبقه ما است. توسط سرمایه استثمار می شویم و هر چه ظلم و جنایت و بی حقوقی و محرومیت و گرسنگی و فقر و فلاکت و بی خانمانی و کارتن خوابی و فحشاء و اعتیاد و هر مصیبت دیگری همه و همه توسط سرمایه و نظام سرمایه داری بر زندگی ما بار می گردد. ما بر همین مبنی با نظام سرمایه داری در جنگیم. این مثل روز روشن است اما مبارزه آگاهانه و افق دار علیه سرمایه داری با مبارزه روزمره خودانگیخته ضد سرمایه و سرمایه داران با هم تفاوت دارد. قبل از هر چیز این را تأکید کنیم که فرق جنبش آگاهانه و افق دار و شفاف ضد سرمایه با مبارزه روزمره خودپوی ضد سرمایه داری توده های ما اصلاً در این نیست که در حالت اول مشتکی آدم سواددار، کتابخوان، دانشمند، اهل فضل و سیاست و دانش یا مثلاً یک حزب متشکل از دانشمندان و سیاستمداران با یک پرچم پرافتخار کارگری نقش جلودار ما را ایفاء می کنند و در حالت دوم چنین جلودارانی نداریم!!! نه، تفاوت مطلقاً در این نیست. هیچ جریان یا نیرو، دار و دسته و حزب و علم و کتل خارج از طبقه ما و جنبش جاری ما نه فقط گرهگشای هیچ مشکلی از ما نیست، که اساساً از ما هم نیست، به زندگی و مبارزات و اعتراضات ما هیچ تعلق ندارد، اگر اسم ما را جار و جنجال می کند صرفاً با هدف سوء استفاده از جنبش ما، به منظور سوار شدن بر موج قدرت پیکار ما و از این طریق خزیدن در ماشین دولتی سرمایه و تحمیل همه مصائب همین نظام بر ما، منتهی به اشکال دیگر و زیر نام و نشان های دیگر است. مبارزه آگاهانه و افق دار و شفاف علیه سرمایه و نظام سرمایه داری یعنی اینکه خود ما کارگران به طور مستمر و لحظه به لحظه و سنگر به سنگر، با آگاهی و شعور و شناخت کارگری و ضد کار مزدوری، علیه شیرازه حیات سرمایه دست به مبارزه بزنیم و این مبارزه را تا نابودی سرمایه داری، تا محو کار مزدی و رابطه خرید و فروش نیروی کار ادامه دهیم. شناخت راه درست مبارزه ضد سرمایه و ضد کار مزدوری هیچ پدیده عجیب و غریب و رمزآمیزی نیست. گروهها، فرقه ها و احزابی از طبقه سرمایه دار در خارج از قدرت سیاسی روز سرمایه داری و در تقلا کسب این قدرت زیر عناوین و نام و نشان های مختلف می کوشند که این مبارزه را برای ما رمزآمیز کنند، هدف آن ها از این کار فقط یک چیز

است. این که راه واقعی جنگ و ستیز طبقاتی ما علیه سرمایه داری و برای مو نظام بردگی مزدی را از پیش پای مان کور کنند و جنبش ما را سکوی پرش خویش به اریکه قدرت سیاسی سرمایه سازند. مبارزه ضد سرمایه داری یعنی اینکه ما همه جا و در همه شرائط و در تمامی قلمروهای زندگی اجتماعی خویش به موجودیت سرمایه داری حمله کنیم. در مبارزه برای دستمزد، بیلان کار و تولید سالانه طبقه مان را پیش روی قرار دهیم و خواستار تبدیل حداکثر کار و تولیدات روزمان به امکانات معیشتی و رفاهی و زندگی بهتر و بهتر خود گردیم. مبارزه برای دستمزد را به مبارزه ای برای مختل نمودن روند تولید اضافه ارزش و سود سرمایه توسعه دهیم، این ذات شیوه تولید سرمایه داری است که عظیم ترین بخش کار و تولید ما توده های کارگر را به سود و سود و به سرمایه و باز هم سرمایه تبدیل می کند. در جنگ برای دستمزد بیشتر، ما باید دقیقاً به همین روند که شیرازه حیات سرمایه داری است تعرض، تعرض و باز هم تعرض کنیم. مبارزه ضد سرمایه داری یعنی اینکه قاطع و استوار اعلام داریم که کار و تولید ما به جای پرورش ساختن سیلاب سود سرمایه باید یگانه صرف عالی ترین شکل دارو و درمان و بهداشت سراسر رایگان ما شود. مبارزه ضد سرمایه یعنی اینکه با همه قدرت اعلام داریم که کار و تولید ما به جای پر کردن باتلاق متعفن سود و تبدیل شدن به کوهساران سر به فلک کشیده سرمایه ها باید برای آموزش و پرورش رایگان ما و فرزندان ما در کلیه سطوح و مراحل تحصیل به کار گرفته شود. مبارزه آگاهانه ضد سرمایه یعنی اینکه در همه جا فریاد کشیم که کار و تولید ما به جای سرمایه شدن باید به مسکن رایگان مجهز به کلیه امکانات رفاهی برای تمامی آحاد توده های طبقه مان اختصاص یابد. مبارزه افق دار ضد سرمایه و ضد کار مزدی یعنی اعلام داریم که کار و تولید ما باید به جای سرمایه شدن راه مراقبت رایگان از سالمندان، راه مهد کودک رایگان برای خردسالان و در یک کلام راه تأمین و تضمین بهترین شرائط زندگی و رشد و بالندگی جسمی و فکری ما را در پیش گیرد. مبارزه افق دار و آگاهانه ضد سرمایه یعنی اینکه برای تحمیل کلیه این شروط و انتظارات بر سرمایه داران و دولت آن ها به قدرت متحد و متشکل کارگری ضد سرمایه داری خویش اتکاء کنیم، یعنی اینکه قانون و نظم سیاسی و قانون بازی سرمایه را به سینه دیوار بکوبیم و راه تحقق خواسته ها را در هر چه متحدتر شدن، هر چه متشکل تر شدن، هر چه آگاه تر شدن، آشنائی هر چه عمیق تر و شفاف تر با افق لغو کار مزدی و مو سرمایه داری جستجو نماییم. مبارزه آگاهانه ضد سرمایه داری یعنی اینکه در جریان جدال روزمره اجباری و قهری خود با سرمایه به راهکارها و تاکتیک ها و شیوه هائی از پیشبرد پیکار متوسل شویم که قدرت طبقه ما را هر چه تعیین کننده تر، هر چه گسترده تر و سرنوشت سازتر در مقابل سرمایه به صف کند و وارد میدان سازد.

مبارزه واقعی ضد سرمایه داری یعنی اینکه کارهای بالا را دنبال کنیم و به جریان روز اعتراض و جنگ و ستیز خود علیه سرمایه مبدل سازیم. این شکل مبارزه کردن نیازمند سازمانیابی شورائی است و روایت درست از شورا یعنی اینکه ظرف و بستر و ابزار کار پیشبرد چنین مبارزه و جنبشی باشد. به این ترتیب شکل متحد شدن و متشکل شدن ما نیست که شورائی بودن و نبودن جنبش ما را تعیین می کند، بالعکس رویکرد و محتوای سرمایه ستیزی آگاهانه و واقعی آن است که شورائی بودن را نیز به عنوان ظرف و مسیر و ابزار آن ضروری می سازد. این نکته بسیار مهمی است که باید آن را همیشه مطمح نظر قرار داد. تشکل کارگری ما فقط و فقط در صورتی واقعاً شورائی است که جنبش ما راه تعرض علیه سرمایه، هجوم به شیرازه حیات سرمایه، مختل نمودن روند تولید اضافه ارزش،

تحلیل مطالبات مهم و پایه ای ضد سرمایه داری مان بر طبقه سرمایه دار و نظام سرمایه داری را اتخاذ کرده باشد. این جنبش است که برای احراز موفقیت خود در هر گام و هر سنگر و برای پیروزی نهائی بر نظام سرمایه داری محتاج سازمانیابی شورائی است. این جنبش به ما می گوید که نمی تواند خود را در باتلاق سندیکا و سندیکاسازی دفن کند، نمی تواند توسط چند تا نماینده منتخب ما به پیش تازد و نمایندگی شود، نمی تواند خود را به دار قانون و حقوق و نظم سیاسی سرمایه حلق آویز کند. این جنبش به ما می گوید که برای بالندگی و نیرومند شدن خود در برابر سرمایه احتیاج به وجود کلیه آحاد توده های طبقه مان دارد، احتیاج به دخالتگری مستقیم تک تک کارگران در همه امور و در جلو بردن هر گام خود دارد. محتاج حضور هر چه آگاه تر و نافذتر و چاره گر تر و مصمم تر و هشیارتر هر فرد از توده های ماست. این جنبش به ما می گوید که اگر هر فردی از ما این چنین نکند، تواناتر و بیناتر و آگاه تر و بافکرتتر و با احساس مسؤلیت تر وارد حریم آن نشود اصلاً قادر به جلو رفتن و موفق شدن و راه پیروزی پیمودن نیست. حتماً سؤال خواهد شد که چرا و این استنباطات و نتیجه گیری ها از کجا آمده اند و دلیل درستی آن ها چه می باشد؟ سؤال بسیار بجا، لازم و سنجیده ای است اما پاسخ آن نیز بسیار روشن است. به همین کارخانه ای که در آن کار می کنیم، استثمار می شویم، مبارزه می کنیم کمی نظر اندازیم. خاطرات مبارزه دو سال اخیر خود را خوب به خاطر بیاوریم. ما معضلات انبوهی را تحمل کردیم، برای ادامه مبارزه راه هائی را پیش گرفتیم و به راهکارها و شیوه هائی متوسل شدیم. راهی که طی کردیم تنها راهی نبود که می توانستیم ببیمائیم و راهکارهائی که به آن ها روی نمودیم تنها راهکارهای ممکن پیشبرد مبارزات نبود. یک چیز مثل روز روشن است. کارهائی که انجام گرفت انتخاب دلبخواهی ما نبود، آنچه را انجام می دادیم کارهائی بودند که زیر فشار کوه مشکلات و محدودیت ها و موانع و دنیای عوامل بازدارنده و سد راه می توانستیم انجام دهیم. این حرف درست است و واقعیت دارد اما یک چیز را نباید فراموش کنیم. در سیر رویدادهای زندگی کلاً و در کوران حوادث مبارزه طبقاتی به طور خاص همواره باید برای دستیابی به حداکثر بیداری و آگاهی و هشیاری تلاش کرد و همیشه حاصل این تلاش را توشه راه زندگی و پیکار و ساز و برگ حصول موفقیت ها نمود. در طول این دو سال سوای آنچه که انجام دادیم، راهها و راهکارهای دیگری هم می توانست دستور کار مبارزات روز ما قرار گیرد، خوب در نظر بیاوریم، ما واقعاً متحد بودیم، همدوش هم بسان پیکری واحد علیه سرمایه داران مبارزه کردیم، تاکتیک های درستی انتخاب نمودیم، در چهاردیواری محل کار خود محصور نماندیم، اعتراض مان را به میان توده های همزنجیر منتقل نمودیم، این کار ما تأثیرات بسیار بارز و ارزنده ای داشت، وقتی که استثمار وحشیانه خویش توسط سرمایه را در کوچه پس کوچه های جاده ساوه فریاد می زدیم انبوه همزنجیران مان در آن مناطق با ما همدردی کردند و به طور مستقیم همراهی نشان دادند. آنان دردهای خود را از زبان ما گوش می نمودند و درد مشترک همگی مان می دیدند. مسلماً تحت تأثیر همین نوع تلاش های درست بود که کارگران آتش نشانی در جریان یک مأموریت اجباری دولتی برای مشارکت در سرکوب ما به طور واقعی حماسه همزنجیری سر دادند، از اجرای دستور فرمانده مزدور خویش سرپیچی کردند و لوله آب یخ را به جای آن که بر روی صفوف متحد معترض ما بگیرند به سمت دیوارها و زمین خالی کارخانه نشانه رفتند. ما همه این کارها را انجام دادیم، دستگیر شدیم، همه با هم به زندان افتادیم، مقاومت کردیم، تمامی افراد خانواده مان خواه در خارج از زندان و خواه به گاه زندانی شدن در مبارزات ما شرکت نمودند. نکته مهم مورد بحث در اینجا این است که ما در همین راستا

کارهای بزرگ دیگری نیز می توانستیم انجام دهیم که به دلیل پاره ای موانع و از جمله کمبود هشیاری و آگاهی و بیداری و از همه مهم تر و مهمتر به دلیل کمی احساس قدرت و عدم درک توانائی و ظرفیت اعمال قدرت از انجام آن ها دریغ نمودیم، این نکته بسیار مهمی است که باید همواره بدان اندیشید. ما کارهای بزرگی کردیم اما اگر باز هم بر هشیاری و بر شناخت ظرفیت مبارزه و امکان اعمال قدرت متحد خویش علیه سرمایه می افزودیم، می توانستیم کارهای بزرگتری انجام دهیم. از این توانائی برخوردار بودیم که کارخانه لاستیک البرز را با همه ماشین آلات و ساختمان و وسائل ایاب و ذهاب و انبارها و کل امکاناتش به تصرف خود در آوریم و برنامه ریزی کار و تولید این مؤسسه را خودمان به دست گیریم و از این طریق مانع بیکار شدن خویش و تحمل این همه بدبختی ها، فقر و بدهکاری و گرسنگی و بی خانمانی خویش شویم. این امر به طور واقعی امکان پذیر بود و ظرفیت انجام آن دقیقاً در ما و در جنبش ما وجود داشت. در این باره قبلاً در جاهای مختلف به تفصیل صحبت کرده ایم. این صحبت ها را چند بار با خود شما نیز در میان نهاده ایم. در اینجا آن ها را فقط بنا به ضرورت تکرار می کنیم زیرا که اولاً رویکرد به چنین راهکاری کماکان از حداکثر موضوعیت در مبارزات روز شما برخوردار است و ثانیاً می خواهیم بحث خود در مورد جنبش شورائی ضد سرمایه داری را به گونه ای هر چه زمینی تر و ساده تر و واقعی تر تشریح کنیم. ما می توانستیم لاستیک البرز را به تصرف در آوریم، می توانستیم مانع انتقال سرمایه های شرکت توسط سرمایه داران به حوزه های دیگر سرمایه گذاری های آنان شویم. از این ظرفیت و توانائی برخوردار بودیم که دولت سرمایه داری را مجبور به تأمین رایگان کلیه مایحتاج روند کار و تولید کارخانه سازیم، می توانستیم چگونگی توزیع محصولات کار و تولیدمان را خودمان به دست گیریم و برنامه ریزی کنیم، می توانستیم از بیکار شدن خود و گرسنه ماندن خانواده هایمان جلوگیری نماییم، می توانستیم این مبارزات را سنگر نیرومند مبارزات بعدی کنیم، می توانستیم پیچ و خم پیشبرد این جدال را روند آگاهی عمیق تر خود، سازمانیابی متحدتر و محکم تر خویش علیه سرمایه سازیم. آری همه این کارها امکان داشت و هیچ کدام در زمره امور محال قرار نداشتند. بحث بر سر اینکه حتماً پیروز می شدیم یا نمی شدیم نیست، سخن از این است که اتخاذ چنین رویکردی امکان تحقق داشت و اگر در این راه گام بر می داشتیم به هر میزان که پیش می رفتیم موفقیت نیز کسب می نمودیم و راه موفق و درست مبارزه ما هم واقعاً همین راه بود. فراموش نکنیم که محور گفتگو اهمیت سازمانیابی شورائی است و عصاره کلام این است که انجام تمامی کارهایی که گفتیم و پیمودن این راه پرفراز و نشیب در گرو سازمانیابی شورائی مبارزات ما علیه سرمایه داری بود. اینجاست که اهمیت شورا، موضوعیت متشکل شدن شورائی ضد سرمایه داری و معنای واقعی این نوع متشکل شدن در برابر ما قرار می گیرد. شورائی سازمان یافتن یعنی آنکه هر فرد ما به عنوان یک سلول زنده فعال و اثرگذار و رشد یابنده در همه امور مربوط به مبارزه دخیل شویم، تصرف کارخانه بدون چنین سازمانیابی و بدون حضور مؤثر و آگاه تک تک ما امکان نداشت. وقتی ما آهنگ تصرف کارخانه را می نمودیم، معنایش این بود که می خواهیم جزء ناپیدائی از محصول کار و تولید و استثمار توده های طبقه مان را از دست سرمایه داران خارج سازیم، این کار به طور قطع و همان گونه که هزاران بار تأکید و تصریح کرده ایم اصلاً تغییر وضعیت موجود و خلاص شدن از استثمار سرمایه یا خارج شدن از سیطره حاکمیت نظام سرمایه داری نیست، مجرد لغو مالکیت سرمایه داران منفرد بر سرمایه ها بر خلاف پندارهای پوچ برخی ها، مناسبات کار مزدوری را لغو نمی کند، با تصرف این کارخانه و آن کارخانه هم نمی

توان کار مزدی را از میان برداشت. این ها بدیهی ترین بدیهیات هستند. بحث اصلاً بر سر این نیست که با تصرف کارخانه وضعیت موجود را دچار تغییر می کردیم. نه، با تصرف کارخانه تنها کار مهمی که انجام می دادیم تعرض به حریم قدرت سرمایه بود و در همین جاست که سرمایه با تمامی قدرت در مقابل ما وارد میدان می گردید و ما مجبور بودیم قدرت سرمایه را با قدرت پیکار ضد سرمایه داری خویش پاسخ گوئیم. این قدرت در ما وجود دارد اما نه در ما به عنوان چند کارگر لاستیک البرز بلکه در جنبش ما، در طبقه ما، در خیل عظیم همزنجیران ما و در توده های عظیم همسرنوشت ما که همگی مثل هم استثمار می شویم و مثل هم تمامی بلایا و مصائب نظام سرمایه داری را تحمل می کنیم. تصرف کارخانه نیازمند آن بود که ما به این قدرت عظیم طبقاتی اتکاء کنیم و برای بسیج متحد این قدرت دست به کار شویم. به این ترتیب تا همین جا دو مؤلفه مهم جنبش شورائی برای ما روشن شده است، اول اینکه به حریم قدرت سرمایه و به روند ارزش افزائی سرمایه تعرض می کنیم، بخشی ولو بخش نامحسوس و قطره ناپیدائی از هفت اقیانوس عظیم حاصل کار و استثمارمان را حداقل از سیطره برنامه ریزی سرمایه داران خارج می نمایم و برای اینکه چنین کنیم مجبوریم به طبقه خود روی نمایم و مجبوریم از توده های وسیع طبقه خود بخواهیم که در مقابل سرمایه و برای تعرض به حریم قدرت سرمایه ما را یاری رسانند و با ما همراه شوند. برای اینکه ما همین گام را برداریم نیازمند دخالت آگاه و خلاق و هشیارانه همه همزنجیران در محل کار خویش هستیم، هر کدام از ما باید نقشی را به عهده گیریم، باید به سراغ عده ای از همسرنوشتان مان در جاهای دیگر و مراکز کار و تولید دیگر برویم، باید راه و رسم گفتگو با آن ها را خوب تعمق کنیم، نقشه کار را خوب بدانیم، موانع و مشکلات مبارزه را خوب بشناسیم، بتوانیم برای همسرنوشتان خود توضیح دهیم که حتماً باید به حریم قدرت سرمایه تعرض کنیم، بتوانیم آنان را متقاعد سازیم که بدون سازمانیابی تعرض نیرومند علیه سرمایه و حریم حاکمیت و مالکیت سرمایه قادر به تحمیل ابتدائی ترین خواست های خود بر سرمایه داران نمی باشیم. خیزش شورائی ضد سرمایه داری از همه آحاد توده های ما می خواهد و بسیار هم قاطعانه می خواهد که چگونگی پیشبرد امور مبارزه را فکر کنند، آگاهی تعرض به سرمایه و راههای عملی ساختن آن را به دست آرند، به عنوان سلول زنده ای در ارگانیزم جنبش طبقاتی شان ایفای نقش کنند. ضد سرمایه داری بیاندیشند، ضد کار مزدی گام بردارند، ضد سرمایه داری دست در دست هم گذارند و ضد سرمایه داری برای برداشتن موانع سر راه تلاش نمایند. ضد سرمایه داری به سراغ تجارب عظیم جنبش طبقه خود در تاریخ و در سراسر جهان بروند، ضد کار مزدی به همه آثار و نوشته ها و رهنمودها و نظریات آگاهان جنبش کارگری بین المللی رجوع کنند و فراوان کارهای مهم دیگر که انجام دهند. سازمانیابی شورائی ضد سرمایه داری ظرف بسیج هر کارگر برای تبدیل شدن به یک فرد اثرگذار، کارساز، مدیر، اندیشمند و عمل کننده در جریان کارزار طبقاتی علیه سرمایه و برای نابودسازی نظام سرمایه داری است. در اینجا اساس بر این است که افراد به مجری و تصمیم گیرنده، به سیاستگذار و تابع سیاست، به نظریه پرداز و پیرو نظر، به مرید و مراد تبدیل نشوند، عده ای قیم همه نباشند، یک دسته خود را سیاستگذار و رهبر و منجی و زعیم و حزب دیگران قلمداد نکنند، چند نفر کمیته مرکزی توده های کارگر نشوند و زیر نام این کمیته و آن کمیته و این حزب و آن حزب و این نهاد و آن نهاد بر سرنوشت زندگی و کار و پیکار کارگران مسلط نگردند. برای اینکه ضد سرمایه داری مبارزه کنیم باید هر چه گسترده تر و آگاه تر و هشیارتر در شوراهای ضد سرمایه داری و برای محو کار مزدی متشکل شویم.

همزنجیران! کارگران لاستیک البرز!

شما اکنون دوره ای طولانی از مبارزه را پشت سر نهاده اید، مطالبات شما هنوز تحقق نیافته است، ادامه اشتغال شما از هیچ تضمین قطعی و مطمئنی برخوردار نیست. ۵ ماه کار کرده اید و هیچ ریالی حقوق دریافت ننموده اید، با همه این ها دستاوردهائی داشته اید که در جای خود با ارزش هستند، هر چند بسیار بسیار اندک می باشند، اما حتی به ثبات همین دستاوردها نیز نمی توان دل بست، همه چیز در هر آن در حال جا به جا شدن است، تمامی فاجعه های گذشته می توانند در ابعاد سهمگین تر تکرار شوند. فرصت را نباید از دست داد، مطلقاً نباید دچار غفلت شویم، باید با تمام توان در تدارک مداوم پیکار بود. تلاش کنیم تا شوراهاى ضد سرمایه داری خود را بر پای سازیم، بکوشیم تا جنبش ضد سرمایه داری تصرف کارخانه های در حال تعطیل را در همه جا سازمان دهیم. از همه ظرفیت مبارزه خویش برای متشکل شدن شورائی حول مطالبات پایه ای طبقه خود استفاده کنیم. بیائید حتماً شوراهاى ضد سرمایه داری خود را تأسیس نمائیم و جنبش شورائی ضد سرمایه داری و برای لغو کار مزدی را به همه جا توسعه دهیم.

حول منشور مطالبات پایه ای طبقه کارگر متحد شویم

برای جلوگیری از بیکاری، کارخانه های در حال تعطیل را به تصرف خود در آوریم

کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

۲۱ بهمن ۱۳۸۷

<http://www.hamaahangi.com>

khbitkzs@gmail.com